

# مکتب اسلام

شماره دوازدهم سال سیزدهم      در آنگاه ماه ۱۳۵۱ ذی قعدة ۱۳۹۲



## و این است رمز

### جهش يك

### ملت عقب افتاده

چرا کشور عقب افتاده چنين با يك  
جهش برنی آسا به جلو رانده شد ؟!

گذارد و آنها را جلور اعجاز آمیزی چا بجا  
می کند  
مسئله چکه یکی سرگرمیهای فردی واجتماعی  
در عصر ما ، جلور بر گزار شدن آنها ، در همین  
میدان است که گوشها که نر آماده شنیدن حقایق  
در ذنک مربوط به آنهاست ، حال خست آید به  
هر لحظه می خواهند بشنود اهمیت ندارد  
اما با این همه ما می گوئیم شاید گوش شنوایی  
پیدا شود .

قبلا ذکر این نکته ضرورت دارد که برخلاف  
آنچه بعضی می شناسند موسوع سرگرمی موسوع  
مادهای بیست و هفت و در هر عصر واجتماعی جزم  
لاینگ حیات اجتماعی آنها را و کس تعیین کننده  
سر بوشت آنها بوده است .  
ولی در عصر ما که اینک سو عصر تنوع طلبی

گرچه گوش شنوا در محیط ما کم است ، ولی  
اگر ما برای گفتن حقایق - خصوصا قسمت تلخ  
آن - منتظر پیدا کردن گوش شنوا بشینیم باید از  
گفتن بسیاری از حقایق چشم پوشیم .  
منازعه سخاهی همین حقیقت گوئیها گوش شنوا  
میرد و راند ، و روی حساس بشه عاقل ملت ایران -

شدید ، و از سوی دیگر عصر اضطراب و دلگیری  
و نگرانیهاست . موسوع سرگرمی ، اسباب  
و ضرورت معتبری نبود گرفته است .

اگر در زندگی مردم خوب باریک شویم می-  
بینیم هر کس برای خود در برابر کارهای سنگین  
و خشک و بیسواخت و خشن روزانه یک وسیله برای  
خشنی کردن آثار ملامت باره خشکی آورد ، اشکبار  
کرده است .

این سرگرمیها و تفریها اگر بصورت صحیح  
اجرا شود حکم سرویس کرخت و روغن کاری یک  
اتومبیل (سیالمناسی کار کردن) را دارد که پس  
از بین بردن جرمها و کثافاتهای مزاحم ، آنرا  
سریع و روان و برای کارهای سنگین آماده  
می سازد .

ببین دلیل حذف برنامه تفریح و سرگرمی  
بمکنی آنچه بعضی می بنهند ، نه تنها صرفه جویی  
دروقت نیست بلکه غالباً از میراث کارخانه ایست  
زیادی میگذارد .

و غالباً اینکه در کلمات پیشوایان بزرگ اسلام  
ساعات تفریح و لذات و مقروع بعنوان «ساعات  
کمکی برای ساعات کار» معرفی شده است  
چنانکه از امامین مؤمنان علی (ع) نقل شده (ان ذلک  
عون علی تلك الساعات) .

اینها همه در جای خود درست و کاملاً قابل قبول  
دلی موسوع میباشد چنانست که در عصر ما چیزی که  
روی آن بنا فکرتی شده هدف اصلی از سرگرمی  
و تفریح است .

ببین دلیل سرگرمی را غالباً در مسائلی که  
ببزرگ قدرت ملواری میبینی ، است ، همانطور که در

تربیت داد و پیشه را در مسیر عمران و آبادی و تأمین  
معاقل زندگی برای عموم طبقات بکار برداشت .  
و اگر در قسرام آوری را که صرف «مدیریت مستحیبا»  
و «تجملات بی حساب» مخصوصاً در مورد زنان  
میشود (و آنها نیز قلم آیدند استعمار اقتصادی بین-  
المللی دارد) بر آن بیفزاییم آنکه شواهد و  
که چه رقم و قلم نامه بزرگی میشود .

بعضی سوال میکنند چه شده که کشور بی نوازی چون  
تاریک مدت کوتاه باریک چشم سریع خود را در صرف  
و ابرقدهتها ، قرارداد آبیایی بخاطر رژیم مخصوص  
آنها نیست ؟

می گوئیم نه ، این بخاطر خط مشی خاص اجتماعی  
آنراست نه رژیم آنها ، آنها دعای کشور خود را  
بلند این امر آورده های استعمار بستند . و همه آنها  
شادکی را در زندگی و در همه چیز اصل اساسی کار  
خود قرار دادند و مصالح عطیش که از این راه صرفه  
جویی کند در مسیر عمران بکار انداختند و بجای  
سپرده کردن نیروهای انسانی خود آنها زاد و سر  
آبادی کشورشان وسیع کرده و به کار گرفتند ، و باین  
عقد آنها چشمی را (هر چند چشم مادی است)

بوجود آوردند

علاوه بر

عمر متدیان عالم را یکی بند  
کوه قاف زینت پا برهنه  
با آتشدهان فرودش نگونسار  
بندان رخسار در مولاد کردن  
برق سر نهادن صد شتر بار  
سی ر جامی آسانتر نماید  
( جامی )

یکرا ذخیره نگاران جرائد صورت عمران که اخیراً  
از چین دیدن کرده بود نوشته بود : در تمام کشور  
چین یک جوان همین آب و یک دختر پانزده سنی روپ  
پوشند ، زن و مرد لباسهای بلند و بسیار ساده  
در تن داشتند ، خبری از مدرستی و نعلپوشی و  
آنچه در کشورهای غربی دیده می شود وجود نداشت  
حتی (با نهایت تعجب) در بانکها بجای ماشینهای  
گرافیت کامپیوتر و ماشین حساب ارجحیت استفاده  
می کردند و در برابر این سؤال که چرا ماشین  
حساب بکار نمی برند گفتند میخواهیم قیمت آنرا  
در راه عمران مملکت خود به کار اندازیم .

این است یکی از علل مهم جهش برقی-  
آسای یک کشور عقب افتاده ، و آن است  
علت عقب افتادگی بسیاری از ملل شرقی .  
آیا موقع جواروب کردن این زباله های استعمار  
از محیط کشورمان فرا نرسیده ، آیا وقت آن نیست  
که باریک سلسله تبلیغات مؤثر بین گیر و دار استعمار  
و آمار ورقام زنده نتیجه و پایان این راه خطرناک  
را بجمع مردمشان بدهیم ، تا این چنین نیشه بر ریشه  
افتداید و اختلاف و بربردهای اجنبیها شود نرزمه ؟